

ادامه از صفحه اول

شرایط حساس اعتراضات خاورمیانه

تأثیر اصلی، ناشی از تراکم برخی انتقادات، مطالبات و مشکلاتی است که در سایه ناکارآمدی مسئولان این کشورها شکل گرفته است و با یک اتفاق مانند انفجار در بند بیروت می‌تواند یکباره سر باز کند و غلیان احساسات و اعتراضات مردمی را به همراه داشته باشد. البته در این‌میان هستند جریاناتی که چه در داخل و چه در خارج به دنبال موج‌سواری بر این‌س اعتراضات و تشدید آن و همچنین تبدیل اعتراضات به حق مردمی به اغتشاش و آشوب در داخل کشور بودند؛ اما نباید سهم اصلی را به این مسئله اختصاص داد. روند بحران سیاسی و اقتصادی لبنان قبل از انفجار بندر بیروت هم وجود داشت که این انفجار آن را تشدید کرد و انتظاراتی را میان مردم ایجاد کرد تا تغییراتی حاصل شود و در این راستا استعفاهایی هم ازجمله استعفای حسن دیاب، نخست‌وزیر لبنان، صورت گرفت؛ اما باید دید این روند تا کجا ادامه خواهد داشت. آنچه مشاهده شد، این بود که این اعتراضات از سوی یک جناح خاص در دولت با حمایتی که بخشی از احزاب دست‌راستی دولت لبنان به حساب می‌آید، سبب شد مسئله تا حدی پیش رود که به اشغال دستگاه‌های دولتی و وزارتخانه‌ها بینجامد؛ بنابراین با عکس‌العمل شدید ارتش و بخش دیگری از مردم مواجه شد و در نهایت آنان ناگزیر شدند تا وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی را تخلیه کنند. در واقع این اقدام به معنی آن بود که نقش بیشتری در کنترل این حوادث ایفا خواهند کرد. محاکمه افرادی که مرتکب کوتاهی و قصوری شده‌اند تا این بحران در وضعیت لبنان به وجود آید، می‌تواند شامل مسئولان قبلی لبنان نیز نباشد. در دوران نخست‌وزیری سعد الحبریی مواد منفجره خطرناک از کشتی وارد انبارهای بندر بیروت شد؛ بنابراین باید پرسید که آیا احضا به دادگاه شامل دیگر مقصران احتمالی نیز خواهد شد؟ اکنون نخست‌وزیر سابق و جبران حامی او در دوران بسیار حساسی قرار گرفته است.
انک سو با مطالبه مردم و دادگستری برای انجام تحقیقات کامل در قضیه انفجار بندر بیروت و از سوی دیگر تحت فشار عربستان، فرانسه و آمریکا منی بر اینکه دوباره به سمت نخست‌وزیری برگردد، مواضع می‌کند؛ از طرف دیگر در سرزمین فلسطین اشغالی، رژیم صهیونیستی هم مورد فشار جدی قرار گرفته است و همچنین از نظر هدایت‌کابینه خود بسیار شکننده است، تظاهرات و اعتراضات در مناطق اشغالی فلسطین همچنان ادامه دارد و از سوی دیگر مطالبه تظاهرات‌کنندگان به محاکمه تانیاهو هم پدیده‌ای است که وضعیت منطقه را ملتهب می‌کند؛ بنابراین بعید نیست که هدف ایجاد التهاب در لبنان سروش‌گذاریاشتن بر تظاهرات، اعتراضات و نابسامانی‌های سیاسی رژیم صهیونیستی هم باشد. نیروی مقاومت و حزب‌الله در حاکمیت عملا با حضور داقلسی در وزارتخانه‌ها، سیاست‌گذاری کرده بودند؛ اما از موقعیت مناسب‌تری برخوردار است. در لبنان فساد مالی، سیاسی و اقتصادی در وزارتخانه‌هایی اتفاق افتاد که تحت اشراف و تصدی‌گری حاکمیت احزاب گروه ۱۴ مارس بوده است؛ بنابراین سخنان حزب‌الله از صداقت و اخلاص بیشتری برخوردار است، تنها نیروی قابل اعتمادی که می‌تواند آرامش را به لبنان برگرداند و با غلظت‌ب مدیریت کند، نیروهای مقاومت و حزب‌الله هستند، چراکه عملا و به‌تدریج حزب‌الله علاوه بر مقاومت در برابر تعدی‌های رژیم صهیونیستی، کم‌کم ناگزیر می‌شود که به مسائل داخلی لبنان هم بیشتر ورود پیدا کند.

بازی با آتش بنزین؟

۸- نمایندگان مطمئن باشند که حرکات پوپولیستی هیچ‌گونه محبوبیت‌یادپاری در جامعه پدید نمی‌آورد، همان‌طور که بدبینی درباره نظام و حاکمیت را بیشتر می‌کند. مردم کار اعتراض‌نمادانه، درآمد مطمئن و بدون منت، آبادانی کشور و سربلندی میهن را می‌خواهند و حتی در دل‌های‌شان درباره کسانی که افراد موجهی نبودند، اما خدمات ماندگاری از خود به یادگار گذاشتند، احساس نزدیکی و علاقه می‌کنند. حیف است که جمهوری اسلامی با آن همه استقبال مردمی، مورد عنایت قرار نکیرد و مردم حسرت برخی زمان‌های گذشته در دل‌شان جوانه بزند. این‌گونه طر‌ح‌ها درست تیشه به ریشه زدن است. آن‌همه وعده و وعید نمایندگان درباره طرح‌هایی برای شکوفایی اقتصاد به طرح پرداخت پول بنزین به همه خلاصه می‌شود که جای تأسف دارد. دولت هم طرح مشابهی در دست دارد. فروش نفت به مردم و گرفتن پول آن از برای رفع یودجه که صد البته ولخرجی‌های دولت ادامه پیدا می‌کند و دولت‌های آینده به مردم بدهکار می‌شوند و به این کار می‌گویند «سامان‌دادن به بازار سرمایه». مشکل اینجاست که مسئولان و ازجمله رئیس دولت به فقط تحلیل حکم صادر می‌کنند. می‌گوینم: نه‌نفت خطاب به رئیس جمهوری؛ بلکه به کل حاکمیت! اگر محاصره اقتصادی هستیم، اگر مقررات AFTF را قبول نکرده‌ایم، اگر دشمنان علیه ما کار می‌کنند و اگر معتقد به استقامت و صبر و حوصله و مقاومت و هستیم، باید معنی مقاومت را برای مدیران و مسئولان و مردم بگویم و نگوییم می‌خواهیم معیشت مردم را ارتقا دهیم. فراوانی و گشایش اقتصادی با مقاومت و مبارزه و قطع رابطه بانکی با دنیا و ادامه تحریم و محاصره اقتصادی هزارد نیست. گیریم دولت از فروش ۲۲۰ میلیون بشکه نفت در داخل به فرض بشک‌های ۲۵ دلار مبلغ ۵/۵ میلیارد دلار به دست بیآورد. آن بی‌خواهد این پول را به دلار از مردم بگیرد یا معادل ریالی آن را که با ارز ۱۱ هزارتومانی می‌شود معادل ۱۱۰ هزار میلیارد تومان، به جز تأمین کسر بودجه چه اتفاقی می‌افتد. به جز تشویق سوداگری چه اتفاقی در جامعه رخ می‌دهد؟ اگر حاکمیت معتقد به ادامه مقاومت است، باید نظام‌های داخلی سیاسی و اقتصادی را متناسب با آن طراحی کند؛ ولی به نظر می‌رسد که هر لحظه منتظر عادی‌شدن روابط سیاسی و اقتصادی و مالی با خارج هستند.

شرق: معان‌اول رئیس‌جمهور در جلسه ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی فرصت را غنیمت شمرد تا درباره این سخن بگوید که مبارزه با فساد اقتصادی باید بدون حاشیه‌سازی‌های سیاسی و جناحی انجام شود. در این جلسه، قاضی‌زاده‌هاشمی، نایب‌رئیس مجلس عنوان کرد: «باید این باور غلط در افکار عمومی را که فساد همه تاروپود نظام را دربر گرفته، با شفافیت و نظارت بزداایم. مجلس در این زمینه با هدف پیشگیری از بروز فساد با قدرت ورود یافته و برخی پرونده‌های تحقیق‌وتفحص را در دست اجرا دارد. ما از لوابح دولت در موضوع شفافیت حمایت خواهیم کرد؛ زیرا این قوانین، هزینه اقدام به فساد و میزان کشف مفاسد در کشور را افزایش خواهد داد». اسحاق جهانگیری نیز به همین سخنان استناد کرده و گفت: «درحال حاضر شاهد انتشار اتهامات اقتصادی علیه برخی از مسئولان رده‌بالای کشور در رسانه‌های رسمی هستیم که با توجه به حساسیت و اهمیت این موضوع، انتظار عمومی این است که قوه قضائیه در سریع‌ترین زمان ممکن نسبت به تعیین تکلیف این دست از اتهامات اقدام کرده و درباره اتهام‌های عنوان‌شده شفاف‌سازی کند؛ در غیر این صورت شاهد شکل‌گیری باوری نادرست در افکار عمومی نسبت به عملکرد و سلامت همه مدیران ارشد نظام خواهیم بود».

او قوه قضائیه را مخاطب قرار داده و گفته: «به نظر ضروری می‌رسد که قوه قضائیه برای پاسخ‌گویی به مطالبه مردم و افتاع افکار عمومی، نسبت به متخلف‌بودن مسئولانی که متهم شده‌اند یا تیرنه آنها از اتهامات مطروحه، با فوریت و شجاعت شفاف‌سازی کند؛ چراکه در غیر این صورت سرمایه اجتماعی نظام و اعتماد مردم آسیب جدی خواهد دید».

به نظر می‌رسد اشاره اسحاق جهانگیری به موضوعی باشد که مصطفی

سیاست

در خواست اسحاق جهانگیری از قوه قضائیه:

اتهامات مطرح‌شده علیه مسئولان ارشد کشور را شفاف‌سازی کنید

میرسلیم، نماینده تهران، علیه رئیس مجلس مطرح کرده است. میرسلیم مدعی است دلیل رای‌نیاوردن تحقیق‌وتفحص از شهرداری تهران در زمان مدیریت محمدباقر قالیباف، رشوه ۶۵میلیاردی‌ای بوده که پرداخت شده است. او گفته مدارک خود را به دستگاه قضائی داده و طبق اسنادی که دارد، رازینه‌هایی پشت پرده صورت گرفته که این تحقیق‌وتفحص انجام نشود و رد شود. سخنگوی قوه قضائیه نیز اعلام کرده در حال رسیدگی به این موضوع هستند و حتی یک نماینده سابق مجلس نیز در این خصوص در بازداشت است. پرونده عیسی شریفی، معاون قالیباف در زمانی که او شهردار تهران بود نیز از موضوعاتی است که می‌تواند مورد اشاره جهانگیری باشد.

اعتماد‌یاد به افراد می‌تواند منجر به فساد شود

معاون رئیس‌جمهور همچنین با تأکید بر ضرورت آسیب‌شناسی و درس‌آموزی از برخی پرونده‌های در حال رسیدگی نظیر پرونده فردی از مسئولان دفتر یکی از مقامات ارشد نظام گفت: «اعتماد‌یاد به افراد و عدم نظارت دقیق می‌تواند به تکرار چنین تخلفات و مفاسدی در دفاتر مسئولان کشور منجر شود». اشاره جهانگیری به اکبر طبری است که مدیر کل امور مالی در زمان مرحوم آیت‌الله شاهرودی و همچنین معاون اجرایی مسئول‌دفتر رئیس قوه قضائیه در زمان آیت‌الله آملی‌لاریجانی بود و به‌تازگی دادگاه پرونده فساد مالی او به پایان رسیده، اما هنوز حکمی صادر نشده است. جهانگیری گفته است: «مسئولان ارشد نظام و مدیران سطوح بالای مدیریتی کشور باید در واگذاری اختیارات و نظارت بر عملکرد دفاتر و مجموعه‌های مرتبط با خود، دقت و حساسیت بیشتری داشته باشند. بعضا برخی افراد در دفاتر مسئولان عالی‌رتبه کشور به واسطه اختیارات بی‌حدوحصر و عدم نظارت، به‌گونه‌ای

قهر ۲۳ ساله ناطق‌نوری

باستانی‌کاری که ترک گودانتخابات کرد



کمتر از یک سال دیگر هشتمین رئیس‌جمهور تاریخ جمهوری اسلامی ایران بر مسند ریاست دولت خواهد نشست و تا آخرین روز ثبت‌نام کاندیداها برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰، گمانه‌زنی برای ورود بسیاری از سیاستمداران به این رقابت انتخاباتی ادامه خواهد داشت. روزنامه (شرق) در نظر دارد در سلسله‌گزارش‌هایی به افرادی (از همه طیف‌های مختلف سیاسی، از اصولگرا تا میانه‌رو و اصلاح‌طلب) بپردازد که در دوران سیاست‌ورزی خود این توان و انتظار را ایجاد کرده‌اند تا بتوانند سبب رأی برای رفتن به پاسور داشته باشند؛ اما گاه فرصت‌سوزی‌ها و گاه ناملایمات سیاسی روزگار، ما بخت و اقبال‌شان را برای پاسورتزئینی کم کرده است.

خود را روی آراء می‌گذاشت». جامعه هاشمی را مدافع خاتمی تلقی می‌کرد، حتی جامعه روحانیت مبارز که هاشمی عضو مؤثر آن بود. در سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۶ آنان به نزد هاشمی در نهاد ریاست‌جمهوری آمدند. هاشمی در خاطراتش می‌نویسد: «شب شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز تهران در دفتر جلسه داشت. آقای ناطق‌نوری و دوستانش از نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری نگران‌اند و روحیه آنها ضعیف است. فکر می‌کنند که رقیب اصلی‌شان آقای خاتمی برنامه تبلیغاتی بهتری دارد. از عدم تحرک دبیرخانه شکایت دارند. اختلافات رورشه در جامعه مدرسین [حوزه علمیه قم] که تأیید اعلان‌شده از آقای ناطق را خراب کرده، وضع را بدتر کرده است. از من درخواست داشتند که کمکشان کنم. گفتم اعلان بی‌طرفی کرده‌ام ولی می‌توانند از اسم من که از اعضای جامعه هستم، استفاده کنند. مقداری روحیه دادم با توضیح امکانات که از طریق حوزه‌ها و علما و مساجد و برنامه‌های محرم دارند». موسوی خوینی‌ها هم می‌گوید: «هیچ علامت و نشانه‌ای در آن زمان وجود نداشت که ثابت کند آقای هاشمی آقای خاتمی را بهتر از آقای ناطق می‌دانست. آقای هاشمی تصور می‌کرد آقای ناطق ادامه‌دهنده همان سیاست‌ها و راهی است که خود داشته است؛ چون آقای ناطق خیلی به آقای هاشمی نزدیک بود». باخت آن سال ناطق به اندازه کافی برای او و جناح راست شوک‌آور بود که در سرنوشتش آن‌گزار باشد اما خود واقعی‌ را همان جناحی به او وارد کرد که قرار بود حامی‌اش باشد. رأی‌نیاوردنش کافی نبود که تازه تحلیل‌های دوستان جناح راست هم زخم او را تازه می‌کرد. وقتی قرار بود فهرست اصولگرایان مجلس ششم را ببینند، ناطق حضور نداشت. سال‌ها بعد یادامیچان که خود و حزبن آن سال‌ها حامی هاشمی و ناطق بودند، بدون اشاره به این حمایت، درباره علت شکست ناطق در سال ۷۶ گفته بود: «او رأی‌نیاورد زیرا اینکه ناطق به امتداد هاشمی‌ام اگر فرد دیگری را جای ناطق می‌آوردیم و چهره جدیدی بود و نمی‌گفت ادامه هاشمی‌ام، قطعاً پیروز انتخابات بود. باید یک چهره جدید می‌آوردیم». ناطق‌نوری به این تحلیل تا این لحظه پایدار مانده است. گذاشت

از جانب مافوق خود سخن می‌گویند که منجر به وقوع تخطفاتی می‌شود که مسئول دستگاه از آن بی‌خبر است، اما جامعه این تخلفات را به آن مسئول ارتباط داده و به پای او حساب می‌کند. بنابراین انتظار است که مراقبت‌های لازم بیش از پیش انجام شود».

هم‌اکنون برادر رئیس‌جمهور و برادر اسحاق جهانگیری نیز در قوه قضائیه پرونده دارند که منجر به محکومیت آنها شده است.

معاون‌اول رئیس‌جمهور همچنین ضمن انتقاد از کسانی که قصد موج‌سواری بر مسائل مرتبط با خصوصی‌سازی در کشور را دارند، عنوان کرد: «مسائل اقتصادی کشور نباید بازیچه رفتارهای سیاسی شود. هرگونه اقدامی در این خصوص، باید منجر به حل مسائل ذی‌نفع‌سان و کارگران زحمتکش و رونق تولید باشد و باید با تفکیک شخصیت حقیقی و حقوقی این نوع شرکت‌ها، اجازه نداد کارخانه تعطیل شود و کارگران آن مشکل معیشتی پیدا کنند». او با بیان اینکه بخش خصوصی واقعی و فعال کشور از برخورد با متخلفان اقتصادی استقبال می‌کنند، گفت: «حرکت هماهنگ هر سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه و شفافیت و نظارت دقیق در مبارزه با مفاسد می‌تواند به پیشگیری از بروز زمینه‌های فساد اقتصادی کمک بسیاری کند».

جهانگیری، شفافیت و نظارت دقیق بر فعالیت‌های اقتصادی دستگاه‌ها و مسئولان را زمینه‌ساز اعتماد جامعه به نظام اداری و مدیران کشور ارزیابی کرد و افزود: «دولت در زمینه مبارزه با مفاسد اقتصادی، لوابح شفافیت، تعارض منافع و مبارزه با فساد و سلامت اداری را به مجلس شورای اسلامی ارائه کرده است و امیدواریم مجلس با تصویب سریع‌تر این لوابح، کام مؤثری در پیشگیری از بروز مفاسد اقتصادی در دستگاه‌های مختلف بردارد».

رفت تا اصولگرایان بمانند و چهره‌های جدیدشان. تنها جایگاهی که برای خودش خواست، این بود که بگذاردند حداقلش شانسش را در نقش پدر معنوی وزعیم اصولگرایان امتحان کند اما این هم نشد. بعدا مشخص شد که جامعه روحانیت که تا پیش از آن نقش محوری در جریان سیاست‌ورزی اصولگرایان داشت، از این‌ت‌ک‌روی ناطق دلخور شده است. آیت‌الله مهدوی‌کی معتقد بود ناطق به‌جای عمل فردی باید اجازه می‌داد همچنان جامعه روحانیت این نقش زعامت را عهده‌دار شود؛ اگرچه در نهایت فرقی نمی‌کرد و همان چهره‌های دیگر و جوان اصولگرایی زیر ریز بازی وحدت زدند. ناطق بعد از روی‌کارآمدن دولت اصلاحات رئیس شورای هماهنگی نیروهای انقلاب شد تا کار اصولگرایی را به سامان برساند اما سال ۸۴ هرکدام راه خود را رفتند و انتلافی که قرار بود از درونش یک نفر برای انتخابات باقی بماند، به هم خورد و همگی با هم آمدند. ناطق بازهم شکست خورد، این‌بار هم از هم‌جریانی‌هایش. توصیف خودش این بود: «از این به بعد در سیاست تنها عمل می‌کنم». حتی در انتخابات خبرگان هم از آن زمان به بعد شرکت نکرد و در پاسخ به این سؤال که آیا حضورنیافتنش در انتخابات به دلیل شکست در انتخابات ریاست‌جمهوری بوده، گفته است: «خیر، دلم نمی‌خواهد در هیچ انتخاباتی شرکت کنم». یا «در زمینه ورود به انتخابات احساس تکلیف شرعی نمی‌کنم و در جناح یا گروه خاصی نیز قرار نمی‌گیرم». در همه این سال‌ها زمزمه بازگشتن او به عرصه فعالیت سیاسی مطرح بوده است. بیش از همه بخشی، نه همه اصولگرایان، به سراغش رفته‌اند اما پاسخ او همواره منفی بوده است. خودش می‌داند که جریان‌های نوپای اصولگرایی که بارها او را حرف زده‌اند، حضورش را برنمی‌تابند. گویا نرمه‌مهایی مبنی بر آمدن ناطق به جای روحانی در انتخابات سال ۹۲ مطرح بوده است. اما ناطق بر قولی که به خود داده بود پایبند بود. همان روزها هاشمی‌رفسنجانی در مصاحبه‌ای گفته بود نظر من برای انتخابات یازدهم ناطق‌نوری بود اما او نیزدیرفت و حسن روحانی را پیشنهاد کرد و سپس من به همراه ایشان تصمیم گرفتم به‌طور مشترک به روحانی پیشنهاد کاندیداتوری بدهیم. گفته می‌شود که بی‌شک نقش‌علی‌اکبر ناطق‌نوری در رسیدن حسن روحانی به مقام ریاست‌جمهوری می‌بدیل است؛ همان نقشه‌ی که از روحانی ۱۶ سال پیش انتظار می‌رفته است. هاشمی‌رفسنجانی هم در خاطرات سال ۷۶ خود می‌نویسد: «دکتر [حسن] روحانی آمد… از بی‌طرفی من اظهار رضایت کرد و گفت: فشار زیادی روی اوست که به نفع آقای ناطق [نسوری] اظهاری نماید». او که زمانی محبوب قلوب اصولگرایان بود این روزها فاصله‌اش با آنها به حدی رسیده که وقتی جامعه اسلامی مهندسین را او به‌عنوان سخنران در ضیافت افطاری دعوت می‌کند، در آن جلسه حاضر نمی‌شود اما در جلسه افطاری محمدرضا عارف و اصلاح‌طلبان حاضر و در قابی همنشین سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات و رقیب انتخاباتی‌اش در سال ۷۶ می‌شود. وقتی هم سرانجام در اردیبهشت ۹۸ حضور در ضیافت افطاری جامعه اسلامی مهندسین را می‌پذیرد، با ورود آنچه احمدی‌نژاد به مراسم، آج‌با رتک کرد، فردی که در مناظره‌های انتخاباتی با او علیه او و اصولگرایان ۹۲، حضور داشت و تلاش دارند تا در راستای بسط حیطه فرزندان‌ش سخن گفت اما هیچ اصولگرایی حتی جامعه روحانیت مبارز که ناطق عضو آن بود، حاضر به دفاع از او و اعتراض به رئیس وقت دولت نشد که هیچ در عمل همگی از احمدی‌نژاد حمایت کردند. این تنهایی برای ناطق تا امروز مانده و آن‌طورکه از سکوتش برمی‌آید، تا آخر هم خواهد ماند. بعد از انتخابات ۹۲، هاشمی اول پست مستر تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص را به ناطق پیشنهاد کرد که نپذیرفت. حتی از دفتر بانرس‌ی بیت رهبری هم استعفا داده است که به حاشیه سیاست پناه برد. ناطق هیچ‌وقت دیگر نامزد هیچ انتخاباتی نخواهد شد. شیخ نور که یک باستانی‌کار قدیمی است، ماندن در گود زورخانه را به گود سیاست ترجیح می‌دهد.

کنایه‌روانبخش به اصولگرایان:
خودشان باهم توافق نکردند
● **برنا:** قاسم روانبخش، عضو شورای مرکزی جبهه پایداری، درباره انتخابات ۱۴۰۰ و گمانه‌زنی‌ها درباره کاندیداتسوری زاکانی و اینکه شانس پیروزی کدام جریان را بیشتر می‌دانید، گفت: خود اصلاح‌طلبان هم اقرار می‌کنند به اینکه ما شانس برنده‌شدن در انتخابات ۱۴۰۰ را نداریم؛ خودشان می‌گویند ما رأی نمی‌آوریم. بنابراین درصد احتمال برنده‌شدن یک کاندیدای اصولگرا در میان کاندیداهای دیگر بیشتر است. دراین‌باره که آن فرد چه کسی می‌تواند باشد، باید گفت از آسمان که نمی‌آید؛ از همین افراد زمینی است. این عضو جبهه پایداری در پاسخ به این سؤال که نظر شما درباره این گفته سلیمی‌نمین مبنی بر اینکه جبهه پایداری بر خلاف چیز که می‌گوید عمل می‌کند، چیست؟ بیان کرد: هرکس دیدگاهی دارد اسم نمی‌دانم ما در کجا بر خلاف نظریان عمل کردیم. در واقع به همان سخنانی که گفتیم عمل کردیم. در انتخابات ۹۶ همه با رئیسی متحد شدیم و نامزد جبهه پایداری نیز رئیسی بود، سایر اصولگرایان نیز همین را گفتند. جبهه پایداری این‌گونه نبوده که ساز جداگانه‌ای بزند. وی افزود: در انتخابات اخیر مجلس هم اصولگرایان بر سر یک لیست واحد توافق کردند. در سال‌های گذشته هم در انتخابات ۹۲، گزینه پایداری‌ها یعنی لنگرانی، انصراف داد اما شخص قالیباف، ولایتی و حادداصل که قرار بود با هم توافق کنند، خودشان هم توافق نکردند. لنگرانی که به‌عنوان گزینه جبهه پایداری کاره‌گیری کرد، از گزینه‌های موجود، جلیلی را بهتر دانستیم و از او حمایت کردیم. گزینه ما نبود، در واقع از میان گزینه‌هایی بود که در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام و تأیید شده بودند و ما هم یک نفر را که صالح‌تر بدیدیم، تأیید کردیم. این معنایش این نبود که جبهه پایداری ساز مخالف می‌زند یا بر خلاف خواست خودش عمل می‌کند. روانبخش در پاسخ به این سؤال که چرا پایداری‌ها یک جبهه همیشه مخالف هستند؟ تصریح کرد: ما جبهه همیشه مخالف نیستیم بلکه براساس مبانی حرکت می‌کنیم. ما در واقع یک جبهه گفت‌وگمانی هستیم.

ادامه در صفحه ۳

قانون انتخابات به جای مجلس در شورای نگهبان بررسی می‌شود!

امور داخلی مجلس شورای اسلامی در این نشست از عزم جدی نمایندگان مجلس در راستای اصلاح قوانین انتخاباتی گفت و برخی اهلکارهای اعضای کمیسیون برای رفع مشکلات قانونی را تبیین کرد. کدخدایی، رئیس پژوهشکده شورای نگهبان، نیز ضمن استقبال از عزم نمایندگان در اصلاح قوانین انتخاباتی، ارائه اهلکار را مبنی بر چارچوب‌های قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات ضروری خواند و ابراز امیدواری کرد که با انجام اصلاحات قوانین انتخاباتی تا حد زیادی از مشکلات موجود در انتخابات سال آتی کاسته شود. پیش‌ازاین جنتی، دبیر شورای نگهبان، بر آمادگی پژوهشکده شورای نگهبان در راستای همکاری با مجلس شورای اسلامی به منظور اصلاح و ارتقای نظام انتخاباتی تأکید کرده بود. اصلاح قانون انتخابات امری مهم است که بارها سخنگوی شورای نگهبان بر ضرورت تغییر و اصلاح آن تأکید داشته است، اما زمانی که نمایندگان مجلس دهم دست به تغییراتی زدن که اختیارات شورای نگهبان را در چارچوبی

خبر

مقام معظم رهبری در پیامی در گذشت حجت‌الاسلام تسخیری را تسلیت گفتند

● **پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:** حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی درگذشت عالم مجاهد و زبان گویای اسلام و تشیع حجت‌الاسلام‌والمسلمین تسخیری را تسلیت گفتند.
مقام یتام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است: «با تأثر و تأسف اطلاع یافتیم که عالم مجاهد و زبان گویای اسلام و تشیع جناب حجة‌الاسلام‌والمسلمین آقای حاج شیخ محمدعلی تسخیری رحمه‌الله علیه در فانی را وداع گفته است. کارنامه این مرد نستوه و خستگی‌ناپذیر در انواع خدمات برجسته در مجامع جهانی اسلامی حقاً درخشان است. عزم راسخ و دل پراکنیزه ایشان حتی بر ناتوانی‌های جسمانی در چند سال اخیر فاتح می‌آمد و حضور مؤثر و برکت وی را در هر نقطه لازم و مفید استمرار می‌بخشید. مسئولیت‌ها و خدمات ایشان در داخل کشور نیز فصل جداگانه و ارزشمندی از تلاش‌های این روحانی فاضل و متعهد است. این‌جانب به خاندان و بازماندگان مکرم و نیز به همه همکاران و دوستان ایشان تسلیت عرض می‌کنم و رحمت و مغفرت و رضوان الهی را برای وی مسئلت می‌کنم».

با حکم مقام معظم رهبری

شیخ عباسعلی سلیمانی امام جمعه کاشان شد

● **پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:** حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حکمی حجت‌الاسلام حاج شیخ عباسعلی سلیمانی را به نمایندگی ولی‌فقیه و امامت جمعه کاشان منصوب کردند.
متن حکم رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است: «جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ عباسعلی سلیمانی دامت‌افاضته، اکنون با پایان‌یافتن مسئولیت عالم مجاهد جناب حجة‌الاسلام‌والمسلمین آقای نمازی دامت توفیقاته و با تسکّر از فعالیت‌های علمی و اجتماعی ایشان در دوران اشتغال در کاشان، جناب‌عالی را به امامت جمعه کاشان و نمایندگی خود در آن منطقه منصوب می‌کنم. کاشان علاوه بر افتخارات تاریخی و پرورش برجستگان علمی و چهره‌های کم‌نظیر در فقه و حدیث و علوم عقلی و ادبیات و اخلاق که حقاً میانه میاهات است، در دوران کنونی و در حوادث مهم انقلاب و نظام اسلامی نیز مجاهدت مردمی و وفاداری به آرمان‌ها را به حد نصاب کامل رسانیده است. مردم عزیز و باایمان و انقلابی کاشان در همه صحنه‌های خدمت و تلاش خود داشته و به وظایف دینی و انقلابی خود جامه عمل پوشانده‌اند. انتظار می‌رود روح‌جناب‌عالی با همه توان در خدمات دینی و اجتماعی حضور یافته و سلوک مردمی با همه قشرها به‌ویژه جوانان و تکریم خانواده‌های معظم شهیدان و ایثارگران را متمسک همیشگی خود قرار دهد. غنی‌ساختن محتوای خطبه‌های نماز جمعه با معارف دینی و هدایت‌های سیاسی توصیه دیگر این‌جانب است. امید است با برطرف‌شدن بلای همه‌گیر بیماری، اجتماع نماز جمعه و محافل پررونق دینی و معروف کاشان بار دیگر دل‌ها و جان‌های مردم عزیز را صفا و نورانیت بخشد. توفیقات جناب‌عالی را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم».

کنایه‌روانبخش به اصولگرایان:

خودشان باهم توافق نکردند

● **برنا:** قاسم روانبخش، عضو شورای مرکزی جبهه پایداری، درباره انتخابات ۱۴۰۰ و گمانه‌زنی‌ها درباره کاندیداتسوری زاکانی و اینکه شانس پیروزی کدام جریان را بیشتر می‌دانید، گفت: خود اصلاح‌طلبان هم اقرار می‌کنند به اینکه ما شانس برنده‌شدن در انتخابات ۱۴۰۰ را نداریم؛ خودشان می‌گویند ما رأی نمی‌آوریم. بنابراین درصد احتمال برنده‌شدن یک کاندیدای اصولگرا در میان کاندیداهای دیگر بیشتر است. دراین‌باره که آن فرد چه کسی می‌تواند باشد، باید گفت از آسمان که نمی‌آید؛ از همین افراد زمینی است. این عضو جبهه پایداری در پاسخ به این سؤال که نظر شما درباره این گفته سلیمی‌نمین مبنی بر اینکه جبهه پایداری بر خلاف چیز که می‌گوید عمل می‌کند، چیست؟ بیان کرد: هرکس دیدگاهی دارد اسم نمی‌دانم ما در کجا بر خلاف نظریان عمل کردیم. در واقع به همان سخنانی که گفتیم عمل کردیم. در انتخابات ۹۶ همه با رئیسی متحد شدیم و نامزد جبهه پایداری نیز رئیسی بود، سایر اصولگرایان نیز همین را گفتند. جبهه پایداری این‌گونه نبوده که ساز جداگانه‌ای بزند. وی افزود: در انتخابات اخیر مجلس هم اصولگرایان بر سر یک لیست واحد توافق کردند. در سال‌های گذشته هم در انتخابات ۹۲، گزینه پایداری‌ها یعنی لنگرانی، انصراف داد اما شخص قالیباف، ولایتی و حادداصل که قرار بود با هم توافق کنند، خودشان هم توافق نکردند. لنگرانی که به‌عنوان گزینه جبهه پایداری کاره‌گیری کرد، از گزینه‌های موجود، جلیلی را بهتر دانستیم و از او حمایت کردیم. گزینه ما نبود، در واقع از میان گزینه‌هایی بود که در انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام و تأیید شده بودند و ما هم یک نفر را که صالح‌تر بدیدیم، تأیید کردیم. این معنایش این نبود که جبهه پایداری ساز مخالف می‌زند یا بر خلاف خواست خودش عمل می‌کند. روانبخش در پاسخ به این سؤال که چرا پایداری‌ها یک جبهه همیشه مخالف هستند؟ تصریح کرد: ما جبهه همیشه مخالف نیستیم بلکه براساس مبانی حرکت می‌کنیم. ما در واقع یک جبهه گفت‌وگمانی هستیم.